

حضرت آیت‌الله جنّتی «دام عزّه»

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام‌علیکم؛

نتایج حاصل از بررسی‌های به عمل آمده راجع به «لایحه یک فوریتی ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن» ذیلاً جهت استحضار تحریر و تقدیم می‌گردد:

ماده (۱) لایحه<sup>۱</sup>

ماده (۲) لایحه

صدر ماده (۲) لایحه

عبارت «اعمال تخفیف، تقسیط» اولاً: مشخص نیست آیا نسبت به یک شخص، یکی از دو مقوله اعمال خواهد شد یا هر دو مقوله تخفیف و تقسیط؟ ثانیاً: نصاب هر یک از تخفیف و تقسیط از حیث حداقل و حداکثر میزان تخفیف و مدت تقسیط مشخص نگردیده است. لذا موضوع از هر دو جهت مبهم و مواجه با اجمال است، ضمن آنکه تفویض امور فوق به دولت، چون از امور تقنینی است به نظر مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی خواهد بود.

سطر اول ماده (۲) لایحه<sup>۲</sup>

بندهای (۶) و (۷) ماده (۲) لایحه

بندهای مزبور در لایحه دولت نبوده، چنانچه متضمن بار مالی باشد، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.

<sup>۱</sup> عبارت «اعمال معافیت‌های مالیاتی» از این حیث که متضمن اصلاح ماده (۴) قانون برنامه چهارم توسعه خواهد بود، علاوه بر مغایرت با ماده مزبور، در تعارض با ماده (۲۲۳) آیین‌نامه داخلی مجلس می‌باشد.

<sup>۲</sup> واژه «واگذاری» از حیث اطلاق اعم است از بیع، اجاره، صلح، هبه و...، حال آنکه به موجب مندرجات مشروح مذاکرات مجلس، مقصود مقنن از واگذاری، واگذاری در قالب بیع و فروش می‌باشد، چون اطلاق، موجب تفسیر موسع بوده، لذا مواجه با اجمال است.

شماره: ۳۴۴۸

تاریخ: ۱۳۸۶/۰۹/۱۸

پیوست: ندارد

**بند (۷) ماده (۲) لایحه**

عبارت «سکونتگاه‌های غیررسمی» از حیث مفهوم و تعیین مصداق دارای ابهام و مواجهه با اجمال است. به موجب مندرجات مشروح مذاکرات مجلس، وزیر مسکن از این واژه به «حاشیه‌نشینی شهرها» تفسیر نمودند.<sup>۱</sup>

**بند (۸) ماده (۲) لایحه**

لایحه دولت فاقد آن است، علیهذا چون متضمن بار مالی است مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.<sup>۲</sup>

**ماده (۵) لایحه****صدر تبصره ماده (۵) لایحه**

عبارت «دولت مکلف است اعتبار مورد نیاز تأمین فضاهاى آموزشى موضوع این ماده را در بودجه‌هاى سنواتى پیش‌بینى نماید.» در لایحه دولت نبوده است، چون متضمن بار مالی است، لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.<sup>۳</sup>

**ماده (۶) لایحه**

- عبارت «به صورت متصل» هرچند که در متن ماده (۶)، به موجب عبارت بین دو ابرو ( )

<sup>۱</sup> چون واژه مزبور ابداع جدید قانونگذار و فاقد سابقه در قوانین مشابه است، لذا پیشنهاد دارد برای رفع ابهام، لفظ به واژه مانوس و متعارف بدل گردد. چون الفاظ در قوانین، معمولند بر معانی عرفیه، بدیهی است عرف، از واژه «سکونتگاه‌های غیررسمی» قطعاً معنایی را اراده نخواهد نمود که منظور نظر وزیر محترم مسکن می‌باشد. آنچه در متن قوانین مسبوق به سابقه است، عبارت است از لفظ «اقامتگاه»، هر چند که وزیر محترم مسکن و برخی نمایندگان، از این واژه به مستحدثاتی تعبیر آورده‌اند که در حاشیه شهرها به صورت غیرقانونی، احداث و اکنون جمعیت فراوانی را در خود جای داده است، لکن این تعبیر، چیزی از ابهام واژه نمی‌کاهد.

<sup>۲</sup> وزیر مسکن و شهرسازی، موافقت خود را با بند (۸) در مجلس اعلام نموده بود.

<sup>۳</sup> معاون وزارت مسکن و شهرسازی به نمایندگی از دولت، نفیاً و اثباتاً در خصوص موضوع در صحن علنی مجلس اظهارنظری ننمود.

توضیح داده شد، لکن از حیث معنی و دامنه شمول جغرافیایی، مبهم می‌باشد.<sup>۱</sup>

- عبارت «منفصل» و «پهنه سرزمین» دارای اشکال مذکور می‌باشند.

- عبارت «به استثناء مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست» مندرج در ذیل ماده (۶) از آن جهت که مشخص نمی‌کند این مناطق کجا هستند، پهنه و مساحت آنها چقدر است؟ بر اساس کدام قانون این مناطق مشخص می‌شوند؟ و... دارای ابهام است.

#### ماده (۷) لایحه

عبارت «طبق برنامه زمانبندی ... احداث خواهد گردید.» مفهوم مخالف عبارت، آن خواهد بود که اگر مالک، موفق به احداث بنا در ضرب الاجل اعلامی نگردد، قطعاً دولت مجاز به اقداماتی خواهد شد. به نظر می‌رسد هرگونه اقدام از ناحیه دولت، مغایر با حقوق، مالکیت و آزادی‌های مشروع (موضوع ذیل اصل ۹ و اصول ۲۲، ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی) خواهد بود.

#### ماده (۸) لایحه

##### بند (۱) ماده (۸)

عبارت «کارکنان شاغل در مشاغل کلیدی»:

اولاً: از حیث تعریف و از حیث تعیین مصادیق، مبهم و مواجه با اجمال است.

ثانیاً: قائل شدن عنوان کلیدی برای برخی مشاغل، در مجموعه یک دستگاه اجرائی، برای برخی جذاب، لکن برای کثیری از شاغلین، تفرآمیز و باعث زمینه‌سازی نظام طبقاتی در ساختار اداری می‌گردد.

ثالثاً: پیش‌بینی امتیاز، برای صاحبان مشاغل کلیدی، مغایر با «ایجاد امکانات عادلانه برای همه ...»

<sup>۱</sup> وزیر محترم مسکن و شهرسازی، کلمه «متصل» را به «توسعه درون شهری» معنا نموده است.

و «برخورداری همگان از حقوق مساوی» موضوع بند ۹ از اصل ۳ و اصل ۱۹ قانون اساسی می‌گردد.

رابعاً: چون تعریف و تعیین صاحبان مشاغل کلیدی، از امور تقنینی است، لذا تفویض آن به

تشخیص بالاترین مقام دستگاه، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

#### تبصره (۱) ماده (۸) لایحه

عبارت «خانه‌های سازمانی مستثنی از حکم این ماده»<sup>۱</sup> چون به عنوان بخشی از خانه‌های

سازمانی است که فعلاً موجود بوده و ماده (۸) قانون، در صدد تعیین تکلیف عنوان راجع به آن

می‌باشد، علیهذا، تعیین مستثنیات از شمول قانون نیز، به مانند مستثنی‌منه، نیازمند قانون است و

واگذاری آن به آیین‌نامه برخلاف اصل ۱۳۸ و مآلاً اصل ۸۵ قانون اساسی خواهد بود.

#### بندهای (۱) و (۲) ماده (۸) لایحه

چون تعریف و مصادیق «کارکنان شاغل در مشاغل کلیدی» مشخص و معلوم نیست، از طرف

دیگر، تعداد خانه‌های سازمانی و میزان وجوه حاصل از فروش خانه‌های مزبور مشخص نمی‌باشد. لذا

به نظر می‌رسد، به موجب بندهای (۱) و (۲) ماده (۸)، صرفاً، درصدی از مبالغ نامعین برای کارهای

نامعین تخصیص داده می‌شود. علیهذا، از این حیث که امکان نظارت دیوان محاسبات را سلب

می‌نماید مغایر اصل ۵۵ و از این حیث که «در حدود اعتبارات مصوب» پیش‌بینی نگردیده، به نظر

مغایر با اصل ۵۳ قانون اساسی خواهد بود.

#### تذکر:<sup>۲</sup>

#### ماده (۹) لایحه

- عبارت «تأمین بخشی از اعتبارات» چون واژه «بخشی» از حیث مقدار نامشخص و مواجه با

<sup>۱</sup> مشروح مذاکرات مجلس، حکایت از آن دارد که مقصود از مستثنیات، عبارتند از خانه‌های سازمانی متعلق به نیروهای نظامی و انتظامی.

<sup>۲</sup> ماده (۸) مصوبه، در لایحه دولت نبوده است، لکن نماینده دولت در صحن علنی مجلس از مفاد و مندرجات لایحه دفاع نموده است.

اجمال است، لذا باعث می‌گردد تا عبارت به «بخشی از اراضی در مالکیت خود را» نیز به صورت نامعین باقی بماند.

به بیان دیگر چون هر دو عبارت فوق، از حیث اقل و اکثر، نامشخص است، می‌تواند دولت را مجاز نماید تا اکثر قریب به اتفاق اراضی تحت مالکیت خود را به بهانه تأمین بخشی از اعتبار، به فروش برساند. بدیهی است این امر، در مغایرت آشکار با دیگر مواد مندرج در لایحه به ویژه بندهای هشتگانه ماده (۱) خواهد بود که بر حمایت از تأمین مسکن برای اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد جامعه تأکید دارد.

#### ذیل ماده (۹) لایحه

عبارت «کارشناسی روز» و «از طریق مزایده»<sup>۱</sup>

#### ماده (۱۱) لایحه

عبارت «و برنامه پنجم توسعه اقتصادی و فرهنگی»<sup>۲</sup>

#### ماده (۱۲) لایحه

واژه «صرفاً» در صدر ماده (۱۲)، چون افاده انحصار می‌نماید، به نظر مبهم است، چون مفهوم این معنا است که بانک مرکزی، به غیر از موارد پیش‌بینی شده در این قانون، مجاز به اعطای وام راجع به طرح‌ها و پروژه‌های دیگر نخواهد بود.

#### سطر (۲) ماده (۱۲) لایحه

<sup>۱</sup> چنانچه بین دو واژه مزبور، نسبت تباین برقرار گردد، عمل به قانون در مقام اجراء مواجه با مشکل خواهد شد. شایسته است یکی از دو روش به صورت صریح در متن قانون درج گردد. توضیحاً اینکه مشروح مذاکرات، حکایت از آن دارد که مقصود از «کارشناسی روز» همان قیمت پایه برای اجراء مزایده می‌باشد. به نظر چنین معنائی به سادگی از متن عبارت قابل استنتاج نیست.

<sup>۲</sup> از این حیث که چون برنامه مزبور ناظر بر آینده است. در اینکه آیا می‌توان پیشاپیش تکالیفی برای آن پیش‌بینی نمود، به نظر محل تأمل است.

## واژه «سکونتگاه‌های غیررسمی»<sup>۱</sup>

### ماده ۱۳ لایحه

با عنایت به اینکه اتحادیه‌های املاک از جمله مشاغل مشمول امور صنفی و بخش خصوصی است و تابع ضوابط خاص خود می‌باشند، به نظر می‌رسد، دخالت دولت در این امور، به گونه‌ای که مواردی نظیر تدوین مقررات، تعیین صلاحیت‌ها و اجراء و نظارت بر آنها را مجدداً به وزارتخانه‌های دولت اعاده کرده، مغایر با سیاست‌های کلی ابلاغی اصل ۴۴ می‌باشد که بر «کاستن از بار و حجم دولت و کاهش تصدی‌گری‌های دولتی» تأکید و تصریح دارد.

### ماده (۱۴) لایحه

ماده (۱۴) مصوب مجلس در لایحه دولت نبوده است. کمیسیون عمران مجلس، گویا بالبداهه در قالب ماده الحاقی تقدیم مجلس نموده و با اندک تغییراتی به تصویب رسیده است. وزیر محترم مسکن و شهرسازی صرفاً با اظهار این مطلب که: «اصل این ماده الحاقی در حقیقت ایجاد انعطاف در بازارهای مالی است که می‌تواند به سمت مسکن سوق داده شود...» از آن دفاع نموده است.

### جزء (۱) از بند (۱) ماده (۱۴) لایحه

- عبارت «ایجاد بازار رهن ثانویه و انتشار اوراق مشارکت به پشتوانه تسهیلات رهنی» واژه «رهن ثانویه» به نظر مبهم است.

آنچه در منابع حقوقی، مسبوق به سابقه است عبارت است از واژه‌های «رهن مازاد»<sup>۲</sup> و «رهن

<sup>۱</sup> به پاورقی شماره ۱ ذیل صفحه ۲ این گزارش مراجعه فرمائید.

<sup>۲</sup> یعنی، رهنی که مالی را به رهن داده است، سپس وام دیگری از همان مرتهن یا ثالث بگیرد و مازاد رهنیه را وثیقه وام ثانی قرار دهد. باید در اجرای ثبت، کار سند رهن اول فیصله یابد سپس اجرای سند دوم آغاز گردد. (مبسوط در ترمینولوژی حقوق، دکتر لنگرودی، جلد ۳، ص ۲۰۸)

مکرر<sup>۱</sup> با عنایت به تعریف، واژه «رهن مکرر»، جامع تر و واضح تر از عبارت «رهن ثانویه» است.

- مقصود از «ایجاد بازار رهن ثانویه» به نظر، مبهم و نامشخص است.

- همچنین، عبارت «به پشتوانه تسهیلات رهنی» مبهم و مجمل است.

تذکر: به نظر می‌رسد مجموع دو عبارت «ایجاد بازار رهن ثانویه» و «به پشتوانه تسهیلات

رهنی» از حیث تعریف و از حیث مصادیق مبهم و مواجه با اجمال است.

#### جزء (۲) از بند (۱) ماده (۱۴) لایحه

عبارت «راه اندازی بازار سرمایه» به نظر می‌رسد مغایر با تصریحات فراوان به عمل آمده در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است که بر «کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی» تأکید دارد، مضافاً اینکه، به موجب جزء (۱) از بند (الف) سیاست‌های کلی، «تداوم و شروع فعالیت» مزبور، در صورت تصویب مجلس، باید مقید به «مدت معین» گردد، که از این حیث نیز عبارت فوق، مغایر با سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ می‌باشد.

#### جزء (۳) از بند (۱) ماده (۱۴) لایحه

واژه «لیزینگ» با قطع نظر از ماهیت و محتوای عبارت، از حیث منع بکارگیری الفاظ بیگانه، مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی است.

#### جزء (۴) از بند (۱) ماده (۱۴) لایحه

به کارگیری واژه‌های «صکوک»<sup>۲</sup> و «استصناع»<sup>۱</sup> در متن قوانین موضوعه، چون معمول و مستعمل

<sup>۱</sup> یعنی، اگر راهنی که ملکی را به رهن داده است با گرفتن وام ثانی از همان مرتهن و یا مرتهن دیگر، در برابر ارزش اضافی همان ملک، آن را برای بار دوم و سوم و غیره به رهن بدهد. این رهن مجلد را رهن مکرر نامیده‌اند... (همان منبع، صص ۴ - ۲۰۸۳ و ترمینولوژی حقوق، ص ۳۴۰).

<sup>۲</sup> صک، مفرد صکوک و صکاک، چک و نوشته‌ای که نشان‌دهنده اقرار به مال است. صک، معرب لغت فارسی چک که به معنی سند است. صک به معنی سیلی زدن، شمشیر به هم زدن، دو چیز آهنی را سخت به هم زدن و چکاچک هم در همین زمینه است. در فقه هر سند را صک گویند مانند صک اقرار، صک بیع، صک طلاق، صک قدیم (کهنه قباله، بنچاق املاک) و صک ضیعه (یعنی سند غیر منقول). (مبسوط

در گویش متعارف فارسی نمی‌باشد، لذا از این حیث (با قطع نظر از جهات فقهی و شرعی) مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی می‌باشد.

با عنایت به معانی واژه‌ها و اینکه گویا این دو واژه، در متون قوانین موضوعه و جاری کشوری، تاکنون تحت همین الفاظ استعمال نگردیده است، تا موارد کاربرد آنها مشخص باشد، به نظر مبهم می‌باشند، لذا از این حیث که اسناد یا ابزار مالی فوق، چگونه می‌توانند از جمله «طرق تأمین منابع مالی مورد نیاز برای تولید مسکن باشند» نیاز به بررسی اعضاء محترم شورا دارد.

#### جزء (۷) از بند (۱) ماده (۱۴) لایحه

چنانچه «استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک در خارج، به صورت أخذ وام باشد»، به نظر باید مقید به رعایت اصل ۸۰ قانون اساسی گردد.

#### تبصره ذیل بند (۴) ماده (۱۴) لایحه

– به نظر می‌رسد تکالیف دولت به تأمین ارز مورد نیاز، چون مورد نظر دولت در لایحه پیشنهادی نبوده است، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

– واژه «اقلام زیر» مشخص نمی‌باشد اشاره و دلالت به چه اقلامی دارد، لذا مبهم است.

#### ماده (۱۵) لایحه

– صدر ماده (۱۵) لایحه، از حیث «تکلیف مالکین اراضی بایر به پرداخت مالیات به صرف عدم اقدام به احداث بنا»، علاوه بر اجبار افراد به کار معین، متضمن نوعی تحدید حقوق و آزادی‌های مشروع افراد بوده و به نظر مغایر با بند (۴) اصل ۴۳ و ذیل اصل ۹ قانون اساسی می‌باشد و از حیث متضمن

در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، ص ۲۳۵۴)

<sup>۱</sup> استصناع، به معنی، سفارش‌های صنعتی از مشتریان به سازندگان مانند سفارش ساختن یکدست مبل یا یک اتومبیل فیات مخصوص یا روکش چوبی رادیاتورهای شوفاژ منازل؛ سفارش‌پذیر، مصالح را از خود می‌گذارد. این عقد، مرکب از بیع (در رابطه با مواد اولیه) و اجاره اعمال است (مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، ص ۳۳۴).



بودن اضرار به غیر، مغایر با بند(۵) اصل ۴۳ قانون اساسی نیز می‌باشد.

### تبصره (۲) ماده (۱۵) لایحه

عبارت «موانع قانونی ساخت و ساز» از حیث مصادیق، مبهم و مواجه با اجمال است.<sup>۱</sup>

### ماده (۱۶) لایحه

- عبارت «حداقل پنجاه درصد (۵۰٪)» متضمن این معنا است که حداکثر آن از ۵۱ الی ۱۰۰ درصد مشخص نیست. ابهام در میزان تخفیف به نسبت مازاد بر حداقل ۵۰ درصد، هم برای مشتری، هم برای شهرداری‌ها و هم برای دولت، مشکل ساز خواهد بود.

مضافاً اینکه، چون تشخیص اعمال تخفیف مازاد بر حداقل ۵۰ درصد، متضمن ایجاد حق و تکلیف (به نسبت شهرداری‌ها و مردم) است، نیاز به تقنین دارد، لذا واگذاری آن به شهرداری‌ها، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

- با عنایت به اینکه در ماده (۱۳) لایحه دولت، صرفاً، تأمین «بخشی از تخفیف اعمال شده از سوی شهرداری‌ها که مازاد بر ۵۰ درصد باشد...» متوجه دولت گردیده بود، لذا تکلیف دولت به تأمین معادل ۱۰۰ درصد، چون متضمن بار مالی است، نسبت به مازاد پیش‌بینی شده در لایحه دولت، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.

### ماده (۱۷) لایحه

- ایراد شکلی:<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> در مشروح مذاکرات، تمثیلاً به مواردی اشاره شده است، نظیر اینکه قرار بوده تا از سطح زمین یا از حریم فوقانی و تحتانی آن اتوبانی عبور کند یا راهی باز شود یا لوله آب و کابل برق فشار قوی گذر دهند و... (لکن متن تبصره از حیث تعیین مصادیق هر چند که ارجاع به قانون گردیده، کلی است و مواجه با ابهام است).

<sup>۲</sup> با عنایت به اینکه دولت محترم در صدد حذف یا ادغام مصادیق فراوانی از شورهایی است که به حکم قانون تشکیل گردیده‌اند،

## تبصره ماده (۱۷)

- واگذاری اختیار تصویب «شرح وظایف تفصیلی شورا» به دولت، از حیث تقنینی بودن مغایر اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی است.

- با عنایت به مصادیق برشمرده شده در اصول ۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۴ قانون اساسی، مشخص نیست «شورای مسکن استان» موضوع ماده (۱۷) لایحه، از حیث عنوان شورا، منطبق با کدامیک از مصادیق مورد نظر در اصول قانون اساسی خواهد بود.

- «شورای مسکن استان» از حیث عنوان و از لحاظ ترکیب و تعداد اعضاء، هیچ‌گونه انطباقی با «کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر» مصرح در اصل ۱۳۸ قانون اساسی را ندارد.

- با این فرض که «شورای مسکن استان» منطبق با یکی از مصادیق مندرج در اصول قانون اساسی باشد، به موجب ذیل اصول ۷، ۱۰۰، ۱۰۱ و ۱۰۴ «نحوه تشکیل و وظایف این شوراها را قانون معین می‌کند». بنابراین واگذاری این حق به مصوبه دولت، در مغایرت صریح با اصول قانون اساسی خواهد بود.

## ماده (۱۸) لایحه

- تذکر: ماده (۱۵) لایحه دولت، اعتبارات مورد نیاز را به صورت مقطوع و حداقل به مبلغ ده هزار میلیارد ریال به مأخذ سالانه تعیین نموده، در حالی که این رقم در ماده (۱۸) مصوبه مجلس، به حداقل ۲ الی ۳ درصد بودجه عمومی کشور تغییر یافته است. چنانچه درصد تعیین شده، مازاد بر رقم تعیینی در لایحه باشد، به نسبت مازاد، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.<sup>۱</sup>

- لایحه دولت بر «سال‌های باقیمانده از برنامه چهارم» تصریح دارد، لکن این موضوع در مصوبه

بنابراین چنانچه به موجب یک ماده قانونی (ماده ۱۷) به تعداد استان‌های کشور، «شوراهاى مسکن استان» تأسیس گردند، به نظر این امر مغایر با سیاست‌های دولت در خصوص موارد مشابه می‌باشد.

<sup>۱</sup> وزیر محترم مسکن در صحن علنی مجلس، نظر موافق خود را با تغییرات به عمل آمده اعلام نمود.

مجلس «در بودجه‌های سنواتی و... در قالب برنامه‌های پنجساله» تبدیل گردیده است. عبارت مفهوم این است که شامل برنامه پنجساله پنجم و بعد از آن هم خواهد بود. از حیث توسعه زمان اجرای قانون افزون بر سال‌های باقیمانده از پنجساله چهارم توسعه، چون متضمن بار مالی است، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.

- به نظر می‌رسد صدر ماده (۱۷) لایحه، برای شورای مسکن استان شأن اجرائی قائل نگردیده، علیهذا پاراگراف ذیل ماده (۱۸) مصوبه مجلس از این حیث که با درج عبارات: «... با بکارگیری تسهیلات و اعتبارات ... اقدام و گزارش عملکرد را... اعلام نماید» که متضمن شأن اجرائی می‌باشد، به ویژه با توجه به تعداد و ترکیب اعضاء شورای مسکن استان (بندهای ۶، ۱۲، ۱۴ و ۱۵ از ماده ۱۷ که اعضای موردنظر خارج از مجموعه قوه اجرائی می‌باشند) این امر مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی خواهد بود.

#### ماده (۲۱) لایحه

عبارت «... به گونه‌ای که... کلیه کارگران ساختمانی...»:

اولاً: صدر ماده ناظر بر «آموزش و تربیت کارگران ماهر...» می‌باشد، در حالی که ذیل ماده، به «کلیه کارگران ساختمانی...» توسعه یافته است.

ثانیاً: مفهوم مخالف عبارت پایانی آن است که «کلیه کارگران ساختمانی، اعم از کارگران ساده، فنی کار و...» چنانچه به هر دلیل، ولو آنکه حتی آن دلایل خارج از اراده کارگران ساده باشد، لغایت ۵ سال، موفق به دریافت کارت مهارت نگردند، ممنوع از کار و اشتغال در امور ساختمانی می‌گردند.

ثالثاً: بند (۷) از اصل ۴۳ قانون اساسی صرفاً ناظر بر «استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و...» می‌باشد، علیهذا تسری آن به «کلیه کارگران ساختمانی» به دلیل توسعه دامنه قانون اساسی، به نظر مغایر با اصل ۲۸، صدر بند (۴) و بند (۷) از اصل ۴۳ قانون اساسی خواهد بود.



شماره: ۳۴۴۸

تاریخ: ۱۳۸۶/۰۹/۱۸

پیوست: ندارد

N0015

قربانعلی مهری  
قائم مقام مرکز تحقیقات